

حکومت و جمع آوری زکات با تأکید بر نظر امام خمینی (ره)

قدرت الله نیازی*

علی زبرجدی مشفق**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۰

چکیده

یکی از منابع مالی و درآمدهای حکومت اسلامی و از جمله مالیات‌های شرعی، زکات است که گرچه وجوب آن به گذشت چندین سال پس از هجرت پیامبر گرامی اسلام (ص) باز می‌گردد، ولی از همان ابتدای دعوت پیامبر اکرم (ص) در متون و نصوص معتبر دینی از جمله قرآن کریم مطرح گردید. به خاطر همین قدمت، فقها به این مسأله به تفصیل پرداخته‌اند. با این وجود مطالعه تطبیقی دیدگاه مشهور فقهای امامیه با دیدگاه حکومتی امام خمینی (ره) در این مسأله، مطالعه‌ای نو می‌باشد و دریچه تازه‌ای به روی مخاطب می‌گشاید.

نظریه مشهور در باب زکات، جواز پرداخت و مصرف شخصی این واجب مالی شرعی توسط مکلفین است. ولی فرضیه این پژوهش قصور ادله نظریه مشهور در باب پرداخت و مصرف شخصی زکات و در نتیجه بطلان این دیدگاه می‌باشد. لذا در این نوشتار با نقد و رد ادله نظریه مشهور امامیه، با تکیه بر ادله معتبر در فقه امامیه همچون قرآن کریم، سنت و دلیل عقل، بر وجوب پرداخت زکات به امام (ع) و در غیبت ایشان، به فقیه جامع الشرایط مبسوط الید، پای فشاری شده است.

واژگان کلیدی

حکومت، زکات، امام خمینی (ره)، حکم حکومتی

q.neyazi@gmail.com

* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه بوعلی سینای همدان

** کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

Mybox1366@gmail.com

طرح مسئله

زکات به عنوان یکی از وظایف واجب در دین اسلام از چنان اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که از همان آغازین روزهای طلوع خورشید عالم تاب اسلام، دوشا دوش اولین و مهمترین وظیفه عبادی اسلام، یعنی نماز، مورد توجه شارع مقدس واقع شد. در اهمیت زکات و جایگاه رفیع آن در اسلام همین بس که قرآن کریم در آیات متعددی (حدود ۲۸ آیه)^۱ زکات را در کنار نماز آورده و پرداخت آن را مورد تأکید و سفارش قرار داده است.

علاوه بر آن، در آیات بسیار زیادی با عنوان «صدقه» و «انفاق» که به زکات تفسیر شده است، به انجام این فریضه الهی دستور داده شده است. همچنین در روایات فراوان و متواتری که از طریق راویان شیعه و سنی نقل شده، زکات، پس از نماز، مهمترین پایه دین محسوب شده و علما و فقهای همه مذاهب اسلامی وجوب آن را از ضروریات اسلام دانسته‌اند.

هرچند ادای این واجب شرعی در ابتدا اجباری نبود (اجتهادی، ۱۳۶۳، صص ۳۰۹-۳۱۱)، اما پس از بسط و گسترش اسلام و تشکیل حکومت و ایجاد شأن حکومتی و اجتماعی اسلام، طی آیات کریمه قرآن وجوب آن اعلان گردید؛ تا آنجا که بر اساس آیه یازدهم سوره توبه، پرداخت زکات یکی از شرایطی است که با وجود آن فرد در زمره امت اسلامی به شمار می‌آید: «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»؛ اگر توبه کردند و نماز به پا داشتند و زکات دادند، برادران دینی شما هستند و ما آیات خویش را برای قومی که می‌فهمند توضیح می‌دهیم.

بی‌تردید در ارتباط با زکات به تبع اعلان وجوب آن، مسائل بسیاری نیاز به تعیین و تبیین داشت که در این زمینه روایات و سیره معصومین (ع) دست در دست آیات وحی الهی با وضوح هر چه تمام ابعاد و زوایای این واجب الهی را بر بندگان طریق و جویندگان رضای حق، نمایان ساخته‌اند. لذا دیر زمانی است موضوعات و مسائل فراوانی در کتب فقهی امامیه در رابطه با زکات، از قبیل اموال متعلق زکات، نصاب هر

کدام از این اموال، موارد مصرف زکات و... مورد بررسی استدلالی فقهای امامیه قرار گرفته است.

۱. متعلقات و مصارف زکات

بنا بر نظر مشهور فقهای امامیه، زکات بر نه چیز واجب است. در دامها: گوسفند، شتر و گاو، و در نقدین: طلا و نقره، و در غلات: گندم، جو، خرما و کشمش، و در بقیه اموال و درآمدها مثل میوهجات و درآمد کسب و... زکات مستحب است. موارد وجوب هر یک، نصاب و حد معین به خود دارد که در صورت رسیدن به آن حد معین پرداخت زکات واجب می‌گردد (خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۱۵).

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): «لَمَّا أَنْزَلَتْ آيَةُ الزَّكَاةِ: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا» وَ أَنْزَلَتْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مُنَادِيَةً، فَنَادَى فِي النَّاسِ: أَنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمْ الصَّلَاةَ، فَفَرَضَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - عَلَيْهِمْ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ، وَ فَرَضَ الصَّدَقَةَ مِنَ الْبَابِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ، وَ مِنَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ، فَنَادَى فِيهِمْ بِذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَ عَفَا لَهُمْ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ». قَالَ: «ثُمَّ لَمْ يَفْرَضْ لِشَيْءٍ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَتَّى خَالَ عَلَيْهِمُ الْحَوْلُ مِنْ قَابِلٍ، فَصَامُوا، وَ أَفْطَرُوا، فَأَمَرَ مُنَادِيَةً، فَنَادَى فِي الْمُسْلِمِينَ: أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ: زَكُوا أَمْوَالَكُمْ، تُقْبَلُ صَلَاتُكُمْ». قَالَ: «ثُمَّ وَجَّهَ عُمَّالَ الصَّدَقَةِ وَ عُمَّالَ الطَّسُوقِ».

امام صادق (ع) فرمودند: وقتی آیه زکات نازل شد و نزولش در ماه رمضان واقع شد، پیامبر اکرم (ص) امر فرمود در بین مردم ندا دادند که خداوند همانطور که نماز را بر شما واجب کرده، زکات را نیز بر شما واجب کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۹؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۳).

گفتمنی است که در مطالب و مسائل مورد بحث این واجب فقهی در ادوار مختلف فقه هیچ تغییری به چشم نمی‌خورد که این امر شاید با توجه به شرایط و ضوابط سیاسی حاکم بر جامعه و فقدان حکومت اسلامی به معنای واقعی آن، پذیرفتنی باشد؛ اما در روزگار کنونی که توفیق تشکیل حکومت اسلامی نصیب برخی ملت‌های مسلمان گردیده است، به نظر می‌رسد باید در مسیر پر پیچ و خم مباحث زکات، تحجّر و

تمسک به ظواهر ادله و دل خوشی به نقل اجماعات گذشته را پشت سر نهاد و بی محابا بر اساس مبانی صحیح شرعی و تمسک به اصول خدشه ناپذیر فقه جواهری به نقد آراء مشهور و اظهار نظر در مورد این موضوع حساس و میمنت آثار فقهی و بررسی و واکاوی مسائل آن با توجه به شرایط کنونی و ملاحظه عنصر زمان و مکان که در فقه امامیه پذیرفته شده و از رموز پویایی آن به حساب می آید، پرداخت.

شایسته افزودن است که اساساً ایستادگی در مقابل سیل نظرات رایج در باب زکات و بازنگری در بسیاری از مباحث آن و بازپژوهی آنها و ابراز نظر پیرامون مسائل متعدد این حوزه، همچون: توسعه اموال متعلق زکات، تغییر نصاب آن، میزان زکات، طرح زکات به عنوان مالیات حکومت اسلامی و... نیازمند قامت بلند علمی، اجتهاد عمیق و مذاقه‌ای ژرف و موشکافانه است که از بضاعت این قلم و مجال این مقاله خارج است؛ اما مسئله نحوه مصرف این واجب مالی بر اساس نظریه رایج بین علمای امامیه و اگذاری آن به خود مکلف است که با توجه به شرایط عصر کنونی و مناسبات سیاسی و اقتصادی حاکم بر جوامع، در محاق تردید است.

مسئله اساسی این است که در شرایط حاضر جوامع اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی که ضمانت اجرای احکام الهی یکی از ملزومات آن بوده و هست، آیا رواست که این واجب مالی اسلامی با آثار بسیاری که در پی دارد، هنوز در حوزه اعمال شخصی افراد باقی بماند؟ و آیا حکم به شخصی بودن مصرف زکات و نحوه مصرف آن، با اهداف و فلسفه تشریح این حکم بنیادین در تعارض نیست؟ بر این اساس شایسته است که در بحث چگونگی پرداخت زکات و مصرف آن به دیدگاه فقیهان امامیه بپردازیم و نظر به ادله‌ای که ارائه می‌نمایند، دیدگاه مختار خود را در مقام پاسخ به سؤالات این حوزه بیان نماییم.

۲. دیدگاه مشهور فقیهان امامیه در خصوص مصارف زکات

مشهور فقهای امامیه معتقدند که در مصرف زکات رجوع به امام و حاکم اسلامی ضرورتی ندارد، خود مردم می‌توانند آن را به اهل زکات برسانند و در راه‌های تعیین شده، هزینه کنند. ولی، بهتر است که در زمان حضور، به امام و در دوره غیبت به فقیهان

پرداخت شود تا از سوی آنان در جاهای لازم، هزینه گردد. محقق حلی در شرایع می‌نویسد: «مالک مجاز است که سرپرستی بخش زکات را، خود یا وکیلش بر عهده گیرد. ولی بهتر است به امام بپردازد» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۵۲).

بسیاری از فقها نیز، از همین دیدگاه پیروی نموده‌اند (شریف مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۴۴؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۵۸؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۴۱۶؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۲۰۲؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۷؛ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۳۴۶). صاحب *حلائق* نیز این دیدگاه را به مشهور نسبت داده است (آل عصفور، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۲۲۲).

۲-۱. نقد و بررسی ادله دیدگاه مشهور

مشهور فقیهان امامیه که قائل به جواز هزینه کردن زکات به وسیله مالک و یا وکیل او هستند به ادله زیر استناد نموده‌اند:

۲-۱-۱. آیات قرآن کریم

افزون بر محکومات قرآن که به انحاء مختلف مثل امر به پیامبر (ص) برای گرفتن صدقه (زکات) و تحریض و تشویق مردم به پرداختن آن، و این که پیامبر (ص) برای آنها دعا کند، یا توجه دادن به این که ادای صدقات معامله با خداوند متعال است، آیات متعددی را در قرآن می‌توان یافت که براساس آن، خداوند به مسلمانان دستور پرداخت زکات می‌دهد، مانند: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»؛ و نماز را بپا دارید و زکات را ادا کنید (بقره: ۴۳).

کسی که زکات مالش را، خود، در راه مشخص شده خرج می‌کند، بی‌گمان، برابر این آیه شریفه و مانند آن، امر خدا را امتثال نموده و وظیفه خویش را انجام داده است پس در نتیجه تکلیف از عهده‌اش برداشته شده است (میلانی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۱۵۲؛ خوئی، ۱۴۱۸، ج ۲۴، ص ۴۸۵).

آنچه در ارتباط با این دلیل به نظر می‌آید این مطلب است که هر چند بر اساس آیه فوق الذکر و دیگر آیات نظیر آن، مخاطب پرداخت زکات، خود مکلفین هستند و بنابراین خودشان باید نسبت به پرداخت و مصرف آن اقدام کنند؛ اما از این نکته غفلت

شده است که این آیه و نظایر آن که در مقام مخاطب مکلفین از مومنین است، نزد اهل سنت دلیل وجوب زکات محسوب شده (جزیری و همکاران، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۷۶۷؛ جصاص، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۸)، ولیکن نزد امامیه، آیه ۱۰۳ سوره توبه: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا...» دلیل وجوب زکات می‌باشد که مخاطب آن پیامبر اکرم (ص) است (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۲۹۶؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۰۵).

این مطلب را روایات نیز تأیید می‌نماید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۹؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۳). بنابراین، استدلال به این آیات شریفه در این زمینه ثمربخش نخواهد بود. علاوه بر این، بر فرض که این موارد ادله وجوب زکات نیز باشند، قدر متیقن دلالت بر وجوب پرداخت دارند، اما در مقام بیان نحوه مصرف آن نمی‌باشند و احتمالات مختلفی را برمی‌تابد [اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال].

حداقل این دسته از آیات به مخاطبین خود می‌گوید زکات را بپردازید و این امر صرفاً دلالت و ظهور در وجوب پرداخت زکات دارد، اما نمی‌گوید که خودتان مباشر تقسیم آن در مصارف مختلفش باشید، بلکه در این رابطه مجمل است و لذا باید به قدر متیقن یعنی همان وجوب پرداخت زکات اکتفا نمود.

۲-۱-۲. روایات معصومین (ع)

علاوه بر آیات قرآن کریم، قائلان به این نظریه به روایات بسیاری استناد نموده‌اند. در این میان گروهی از ایشان، این روایات را مشهور و مستفیضه (آل عصفور، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۲۲۲) و گروهی، آنها را از جمله روایات غیر قابل انکار (متواتره)، بلکه بالاتر از این دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۴۱۶) که به جهت اختصار به ذکر یکی از آن روایات بسنده می‌کنیم.

«عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) زَكَاتِي تَجِلُّ عَلَيَّ فِي شَهْرٍ - أَيْصَلُّحُ لِي أَنْ أَحْبَسَ مِنْهَا شَيْئًا - مَخَافَةَ أَنْ يَجِيئَنِي مَنْ يَسْأَلُنِي - فَقَالَ إِذَا حَالَ الْحَوْلُ فَأَخْرِجْهَا مِنْ مَالِكَ - لَا تَخْلِطْهَا بِشَيْءٍ ثُمَّ أُعْطِهَا كَيْفَ شِئْتَ - قَالَ قُلْتُ: فَإِنْ أَنَا كَتَبْتُهَا وَائْتَبْتُهَا يَسْتَقِيمُ لِي - قَالَ لَا يَضُرُّكَ».

یونس بن یعقوب می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: در یکی از ماه‌های سال، زکات بر من واجب می‌شود، آیا رواست که بخشی از آن را نگه دارم که اگر شخصی درخواست زکات کرد، به او بپردازم؟ امام (ع) فرمود: هنگامی که سال گذشت زکات را از مال خود جدا کن، آن را با هیچ چیز دیگر درهم نیامیز، سپس هرگونه که خواستی آن را ببخش (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۳۰۷؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۲۲). صاحبان نظریه جواز مصرف شخصی زکات، از ظواهر روایات و جملات معصومین همچون جمله «ثُمَّ أُعْطِيهَا كَيْفَ شِئْتَ»، استفاده نموده‌اند که پرداخت زکات به وسیله مالک جایز است (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۳۷۰؛ روحانی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۶).

حال آنکه این جمله و سایر تعابیر وارده در روایت بر رخصت و اذن امام (ع) نسبت به این مصرف شخصی زکات توسط خود مکلفین دلالت می‌کند و در برخی از این روایات نیز امام صراحتاً به دلیل این اذن اشاره می‌کنند که یکی از این دلایل عدم حاکمیت مکتب اهل بیت و شخص امام (ع) می‌باشد. حتی با وجود چنین روایاتی نیز از نظر بسیاری پرداخت زکات به امام (ع) اولی است.

حتی آنانی هم که به جواز مصرف شخصی زکات حکم داده‌اند نیز پرداخت آن به امام یا فقیه جامع الشرایط و مأمون را اولی دانسته‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۶۰؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۹۶؛ نراقی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۴۳۵؛ یزدی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۲۰۶). برخی نیز حکم به استحباب این امر داده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۴۹۴؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۳۷۰).

شایسته افزودن است که برخی از معاصرین این رخصت در مصرف شخصی زکات را موقتی دانسته و معتقدند: «گاهی یک حکم فقط در زمانی خاص بکار می‌رود نه در همه زمانها، که به آن حکم موقتی می‌گویند. مثلاً زکات به حسب تشریح اولی در اختیار امام (ع) می‌باشد که بوسیله آن، حاجت‌ها و نیازهای مردمی را که تحت حاکمیت او هستند بر طرف می‌نماید، اما وقتی نااهلان متصدی حکومت شدند و زکات‌ها در غیر مصارفشان صرف گردید و شیعه در محرومیت باقی می‌ماند، در این موقع و شرایط، امام (ع) به شیعیان دستور فرمودند که زکاتشان را فقط در بین فقرای خود

تقسیم کنند، که این یک اجازه و حکم موقتی است برای شرایط خاص نه برای همه زمانها (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۴۱۲).

با این تفاسیر اولاً: حکم به عدم وجوب پرداخت زکات به امام به عنوان اصل اولی در این موضوع فاقد استنادی مستدل است.

ثانیاً: بر فرض اثبات این نظریه در مورد امام (ع) که عمده دلیل آن فقدان دسترسی ائمه به حکومت می باشد، پا فشاری بر آن در عصر حاضر که با تشکیل حکومت اسلامی و بر اساس ادله مستدل حاکمیت جامعه بر عهده فقیه جامع شرایط مبسوط الید قرار گرفته است، وجهی نخواهد داشت.

از مجموع دیگر روایات وارده در این خصوص برمی آید که فوائد بسیاری بر دادن زکات مترتب است که بعضی از آنها را می توان اینگونه بر شمرد:

۱- رحم به ضعفا و مساکین و درماندگان و درست کردن سدی در برابر گرسنگی، عریانی و نیازمندی آنان.

۲- تحریض بر کمک به بیچارگان و یاری آنان در امر دینشان.

۳- زیاد شدن اموال اغنیاء و رشد آنها علیرغم اینکه به نظر می رسد با دادن زکات از اموال کم می شود.

۴- حفظ اموال و جلوگیری از تلف شدن آنها.

۵- وادار کردن نفس به صبر و تحمل و بذل و بخشش.

۶- جلوگیری از عذاب و قحطی.

۷- جلوگیری از تلف شدن دامها و حیوانات.

۸- زیاد شدن روزی.

۹- خاموش کردن غضب پروردگار.^۲

۲-۱-۳. سیره مسلمین

برخی از فقیهان امامیه در این باب به سیره مسلمانان نیز استدلال جسته اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۴۱۶). بدین بیان که مردم در زمان ائمه (ع) و پس از آن، زکات را

خود به مصرف می رسانده‌اند و معصومین نیز آنان را از این کار، باز نداشته‌اند، بلکه در برخی از جاها آن را تأیید نیز کرده‌اند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۲۴۵).

آنچه در این زمینه به نظر می‌رسد، این است که اساساً با وجود دلایل از کتاب و سنت نوبت به سیره نمی‌رسد که به عنوان دلیل بر حکم شرعی واقع شود، به علاوه اینکه این سیره با رخصت امام (ع) بوده بدین معنی که اصل در زکات پرداخت آن به امام حاکم است؛ حتی آنجایی که امام، مبسوط الید نیست، با مطالبه زکات پرداخت آن به ایشان واجب است و عدم پرداخت زکات به ایشان به جهت رخصت ایشان بوده است و سیره مسلمین بدین نحو ادعایی بر اساس رخصت امام شکل گرفته است، کما اینکه در روایات وارده در این باب به وضوح آشکار است. به عنوان نمونه روایت ذیل مؤید مدعای نگارنده است:

«عَنْ جَابِرٍ قَالَ: أُقْبِلَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ (ع) وَ أَنَا حَاضِرٌ. فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ أَقْبِضْ مِنِّي هَذِهِ الْخَمْسَمِائَةَ دِرْهَمٍ فَضَعِّهَا فِي مَوَاضِعِهَا فَإِنَّهَا زَكَاةٌ مَالِي. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) بَلْ خُذْهَا أَنْتَ فَضَعِّهَا فِي جِيرَانِكَ وَ الْأَيْتَامِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ فِي إِخْوَانِكَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِنَّمَا يَكُونُ هَذَا إِذَا قَامَ قَائِمًا فَإِنَّهُ يُقْسَمُ بِالسَّوِيَّةِ وَ يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ الْخَدِيثَ» (صدوق، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۶۱).

جابر انصاری نقل می‌کند: نزد امام باقر (ع) بودم که مردی نزد ایشان آمد و گفت: خداوند شما را مورد رحمتش قرار دهد، این پانصد درهم زکات مال من است، شما بگیرید و در موردش مصرف نمایید. پس امام باقر (ع) فرمود: خودت آن را به مصرف همسایگان و یتیمان و مساکین و همچنین، برادران مسلمانان برسان. چه اینکه این (دریافت زکات توسط امام) مربوط به زمانی است که قائم ما ظهور کند، چرا که او بر اساس مساوات تقسیم می‌کند و در مورد مردم چه خوب و چه بد راه عدالت در پیش می‌گیرد.

همچنان که از این روایت برداشت می‌شود، مسئله پرداخت زکات به ائمه امری مسلم بوده است که امام (ع) در به مصرف رساندن شخصی زکات به فرد رخصت می‌دهند و از طرفی فلسفه و چرایی این کار را با توجیهی که گوشزد می‌فرماید، همان فقدان حکومت و عدم مبسوط الید بودن دانسته‌اند؛ چه اینکه بین ائمه اطهار (ع)

خصوصاً امام باقر (ع) و حضرت صاحب الامر (عج) هیچ تفاوتی در مبانی عملی و سیره ایشان وجود ندارد و آنچه امام عصر (عج) را از سایر ائمه معصومین متمایز می‌سازد همین مقوله حکومت مقتدر جهانی است.

۲-۱-۴. مقتضای اصل

از دیگر مستندات این نظریه، اصل عدم وجود دلیل است بدین شرح که پس از شک در اینکه آیا پرداخت زکات به امام (ع)، در زمان حضور ایشان و به فقیه، در زمان غیبت امام (ع) واجب است یا نه، در چنین موردی اصل اقتضا می‌کند که حکم به عدم وجوب نماییم، مگر این که دلیلی خاص بر وجوب آن داشته باشیم که در این خصوص دلیل معتبری نمی‌یابیم (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۳۲).

در این بخش نیز آنچه مغفول مانده، دقت در ادله وجوب زکات است چه اینکه همانگونه که پیشتر نیز اشاره شد در آیه ۱۰۳ سوره توبه به پیامبر اکرم (ص) امر به دریافت زکات می‌گردد، و مخاطب آیه زکات بر اساس این آیه پیامبر اسلام (ص) به عنوان رئیس حکومت است و روایات مستند وجوب زکات نیز مؤید این قول هستند و [الأصلُ دلیلٌ حیثُ لا دلیلُ].

۲-۱-۵. اجماع علما

گذشته از شهرت این دیدگاه، عده‌ای براین باورند که علماء در این مسأله هم رأیند و این نظریه مورد اجماع علماء می‌باشد (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۳۴۶). صاحب جواهر، این دیدگاه را ضروری بین شیعه می‌داند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۴۱۶).

آنچه درباره این دیدگاه مطرح است شهرت است و اجماع در این باره مزید بر اینکه محل تردید می‌باشد، محتمل‌المدرک است و اساساً با وجود دلیل لفظی استناد به اجماع بی‌فایده است.

در فرض پذیرش صحت این دیدگاه مشهور نیز باید حمل بر زمان غیبت امام (ع) و نیز فقدان حاکمیت فقیه مبسوط‌الید گردد، چه این که اگر فقیه جامع‌الشرایط، صرف نظر از تشکیل حکومت اسلامی زکات را مطالبه نماید، یقیناً باید زکات به ایشان پرداخت شود و اطاعت از ایشان امری مسلم دانسته شده است.

صاحب جواهر در این زمینه می‌نگارد: «اطلاق ادله حکومت فقیه مخصوصاً روایت نصب که از صاحب الامر علیه السلام (روحی له الفداء) رسیده است، فقیه را از اولی الامر - که اطاعت آنها واجب است - قرار می‌دهد، البته بدیهی است که ولایت مزبور مخصوص به مواردی که شرع در آن دخالت حکمی یا موضوعی داشته باشد، می‌باشد. و اینکه ادعا شود ولایت فقیه مخصوص به احکام شرعیه است (و شامل ما نحن فیه نمی‌شود) مردود است؛ زیرا ضرورتاً فقیه بسیاری از امور را در اختیار دارد که از موارد احکام نیست؛ مانند: حفظ مال ایتام، مجانین، غایبین و امثال آن، از مواردی که در محلّ خود مقرر گشته است.

و ممکن است که بر این گفته دعوی اجماع کنیم؛ زیرا پیوسته فقها ولایت فقیه را در موارد بسیاری ذکر می‌کنند، در حالی که دلیلی جز اطلاق یاد شده در بین نیست، علاوه آنکه نیاز به ولایت فقیه - در موارد مزبور - شدیدتر از نیاز به آن در احکام شرعیه است» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۴۲۲).

همچنین مرحوم شیخ انصاری (قدس سره) در کتاب زکات، در وجوب اطاعت از فقیه نسبت به مطالبه زکات، چنین می‌فرماید: «و لو طلبها الفقیه فمقتضی ادله النیابه العامه وجوب الدفع لأنّ منعه ردّ علیه و الرادّ علیه رادّ علی الله تعالی - كما فی مقبوله ابن حنظله - و لقوله علیه السلام فی التوقیع الشریف الوارد فی وجوب الرجوع فی الوقائع الحادثه الی رواه الأحادیث قال فأنهم حجّتی علیکم و انا حجه الله»؛

اگر فقیه زکات را مطالبه کند مقتضای ادله نیابت عامه ایشان از امام (ع)، وجوب پرداخت زکات به ایشان است، زیرا هرکس از این امر منع کند به امام رد نموده است و این در حکم رد بر خداوند متعال است - همچنان که در مقبوله عمر ابن حنظله آمده است - و همچنین در فرمایش حضرت صاحب (عج) در توقیع شریف وارده در مورد وجوب رجوع به روات حدیث، فقها را حجت خویش بر مومنین معرفی می‌نمایند (انصاری، ۱۴۱۵، ص ۳۵۶).

۲-۲. نقد و بررسی دیدگاه مشهور فقها

این سخنان به روشنی بیان می‌دارند که، اگر فقیه، زکات را به صورت الزامی - به دلیل صرف آن در موارد ضروری که خود در نظر دارد - مطالبه نمود؛ یعنی فتوا به وجوب آن داد، باید مقلدینش به او تحویل دهند، بلکه اگر در این زمینه حکم صادر نمود، بر غیر مقلدین نیز لازم است که بدان عمل کنند. به هر حال، لزوم اطاعت از فقیه در وجوب فتوایی و یا وجوب حکمی مورد اشکال و تردید نیست، خاصه این که برخی از فقهای امامیه پرداخت شخصی زکات را مجزی نمی‌دانند (خلخال، ۱۴۲۲، ص ۶۲۴).

شیخ اعظم معتقد است، در صورت مطالبه زکات توسط نواب عام امام (ع) (فقهای جامع شرایط) مصرف شخصی زکات مجزی نیست (انصاری، ۱۴۱۵، ص ۳۵۶).

شایسته توجه اینکه نه ایشان و نه افرادی که قائل به عدم اجزاء مصرف شخصی زکات هستند، در این رابطه سخنی از تشکیل حکومت و مبسوط الید بودن فقیه به میان نیاورده‌اند؛ در نتیجه حال که از لوازم اجرای احکام الهی از جمله زکات تشکیل حکومت است، جای هیچ تردیدی در حکومتی بودن امر زکات خصوصاً جمع آوری و مصرف آن باقی نمی‌ماند.

امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه چنین می‌نگارند: «بدیهی است ضرورت اجرای احکام که تشکیل حکومت رسول اکرم (ص) را لازم آورده، منحصر و محدود به زمان آن حضرت نیست؛ و پس از رحلت رسول اکرم (ص) نیز ادامه دارد. طبق آیه شریفه، احکام اسلام محدود به زمان و مکانی نیست، و تا ابد باقی و لازم الاجرا است. تنها برای زمان رسول اکرم (ص) نیامده، تا پس از آن متروک شود و دیگر حدود و قصاص، یعنی قانون جزای اسلام، اجرا نشود؛ یا انواع مالیات‌های مقرر گرفته نشود.

برای روشن شدن مطلب این سؤال را مطرح می‌کنم: از غیبت صغری تا کنون که بیش از هزار سال می‌گذرد و ممکن است صد هزار سال دیگر بگذرد و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورد، در طول این مدت مدید احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود، و هر که هر کاری خواست بکند؟ هرج و مرج است؟ قوانینی که پیغمبر اسلام در راه بیان و تبلیغ و نشر و اجرای آن بیست و سه سال زحمت طاقت فرسا

کشید فقط برای مدت محدودی بود؟ آیا خدا اجرای احکامش را محدود کرد به دویست سال؟ و پس از غیبت صغری اسلام دیگر همه چیزش را رها کرده است؟ اعتقاد به چنین مطالبی یا اظهار آنها، بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است. هیچ کس نمی‌تواند بگوید دیگر لازم نیست از حدود و ثغور و تمامیت ارضی وطن اسلامی دفاع کنیم؛ یا امروز مالیات و جزیه و خراج و خمس و زکات نباید گرفته شود؛ قانون کیفری اسلام و دیات و قصاص باید تعطیل شود. هر که اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده، و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است» (خمینی، ۱۴۲۳، صص ۲۸-۲۶).

حال جای طرح این سؤال است که، اکنون با وجودی که فقیه جامع الشرایط و مبسوط الید اقدام به تشکیل حکومت اسلامی نموده است، آیا رواست که مصرف شخصی زکات همچنان جایز باشد؟ ناگفته پیداست که جواز این نظریه در این جواب این سؤال رنگ می‌بازد و در نتیجه بطلان این دیدگاه مشهور آشکار می‌گردد. نتیجه آنچه تاکنون گفته شد، قصور ادله صاحبان نظریه جواز مصرف شخصی زکات از اثبات مدّعیان ایشان است. این نظریه در وضعیت کنونی قابل پذیرش نیست و هم اکنون در مواجهه با پرسش در این رابطه باید رویه دیگری در پیش گرفت.

۳. دیدگاه امام خمینی (ره) در خصوص مصارف زکات

گروهی از فقیهان بر این باورند که زکات، بودجه‌ای است حکومتی و باید در اختیار امام و حاکم اسلامی قرار گیرد، تا بر اساس مصلحت اسلام و مسلمانان آن را به مصرف برساند. از این گروه، عده‌ای برآنند که در زمان حضور ائمه، واجب است که زکات به آنان و در دوره غیبت به فقیه جامع الشرایط پرداخت شود. از این گروه، برخی بین زمان حضور ائمه (ع) و دوره غیبت فرق گذاشته‌اند و گفته‌اند: در زمان حضور، واجب است که زکات به ائمه (ع) پرداخت شود، ولی در زمان غیبت، مالک می‌تواند خود آن را به مصرف برساند.

برای مثال شیخ مفید، پس از نقل آیه شریفه: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً...» می‌نویسد: «آنگاه که پیامبر (ص) حاضر باشد، بایستی زکات را به او رساند و پس از رحلت وی، باید زکات را در اختیار جانشین وی گذاشت. و در دوره غیبت باید آن را به نواب خاص سپرد و در زمانی که دوره سفیران خاص پایان یافته، واجب است آن را در اختیار فقیهان مورد اطمینان شیعه گذاشت؛ زیرا فقیه بهتر می‌داند که در کدامین مورد آن را هزینه کند» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۵۲).

قطب الدین راوندی در تفسیرش چنین می‌گوید: «امت باید زکات را به سوی پیامبر ببرند، چون جمع آوری زکات بر پیامبر (ص) واجب است و از مخالفت با ایشان نهی شده است و امام (ع) نیز قائم مقام پیامبر (ص) است در هر آنچه که بر پیامبر از برپایی حدود و احکام واجب است» (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۱۹).

ابن زهره در غنیة النزوع چنین نوشته است: «حمل زکات به سوی امام واجب است تا آن را در مورد شایسته آن مصرف کند، یا باید به کسی که امام برای جمع آوری زکات نصب کرده‌اند، پرداخت شود و با تعدّر از این دو می‌تواند زکات را در آنجایی که مستحقان آن را می‌شناسد خرج کند» (ابن زهره، ۱۴۱۷، ص ۱۲۵).

امام خمینی (ره) در مقام نظر، امر جمع آوری و مصرف زکات را از جمله وظایف حاکم اسلامی می‌داند؛ ایشان پس از بیان این مطلب که خمس، حقّ والی است، می‌نویسند: «همان گونه که امر زکات در هر زمان، برعهده حاکم اسلامی است وی، بنا بر مصلحت، مال زکات را در راه تعیین شده، هزینه می‌کند» (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۶۲).

۳-۱. ادله نظریه امام خمینی (ره)

نظریه مخالف مشهور مبنی بر وجوب پرداخت زکات به امام (ع) در زمان حضور و فقیه جامع شرایط مبسوط الید در زمان غیبت به دلایل ذیل مستند است:

۳-۱-۱. آیات قرآن کریم

آیات متعددی از قرآن کریم بیانگر این است که زکات، از سرچشمه‌ها و پشتوانه‌های مالی حکومت اسلامی است و حاکم اسلامی سرپرستی جمع آوری و هزینه آن را به

عاهده دارد. از جمله این آیات، آیه ۱۰۳ سوره توبه است: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ»؛ از اموال آنها صدقه‌ای (زکات) بگیر تا به وسیله آن آنها را پاک سازی و پرورش دهی، و بر آنها (هنگام گرفتن زکات) دعا کن که دعای تو مایه آرامش آنها است.

خداوند در این آیه، به پیامبر خویش (ص) دستور می‌دهد که زکات را از مسلمانان بگیرد که به معنی وجوب دریافت زکات می‌باشد. بدون شک از لوازم وجوب دریافت، وجوب پرداخت نیز هست. همچنین از آیات دیگر قرآن چنین برداشت می‌شود که پیامبر (ص) خود سرپرستی تقسیم زکات را به عهده داشته است.

برخی از منافقان، در چگونگی بخش صدقات بر پیامبر (ص) خرده می‌گرفتند و انتظار داشتند که بر خلاف موازین به آنها از زکات داده شود؛ لذا آیه می‌فرماید: «وَ مِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْتَخْفُونَ»؛ و در میان آنها کسانی هستند که در (تقسیم) غنائم به تو ایراد می‌کنند، اگر از آن به آنها بدهند راضی می‌شوند و اگر ندهند خشم می‌گیرند (خواه حق آنها باشد یا نه). (توبه: ۵۸).

این آیه به این نکته اشاره دارد که پیامبر اکرم (ص) از آنجا که در جایگاه حاکم اسلامی، سرپرستی هزینه زکات را به عهده دارد، بر اساس مصلحتی که تشخیص می‌دهد زکات را در راه پرکردن خلأهای اجتماعی به مصرف می‌رساند، چه بسا زکات اهل و راه خاصی دارد که باید در آن جاها هزینه شود. از طرفی قرآن کریم به موارد مصرف این مالیات شرعی نیز اشاره دارد که تأمل در این موارد موجب قطعیت حکومتی بودن زکات خصوصاً جمع آوری و مصرف آن است (ر.ک: توبه: ۶۰).

موارد یاد شده برای هزینه کردن زکات، به ویژه مورد سوم و چهارم، نشان می‌دهد که دریافت و پرداخت آن به اهل زکات و پر کردن خلأهای اجتماعی با حکومت اسلامی است. اگر به حسب تشریح اولی، در اختیار مالک بود، احتیاجی به کارگزاران حکومتی برای گردآوری و نگهداری زکات نبود و مردم زکات خود را به مصرف می‌رساندند.

۳-۲. روایات معصومین (ع)

از روایات بسیاری استفاده می‌شود که زکات، به حسب تشریح اولی در اختیار امام و رهبر جامعه اسلامی می‌باشد که به وسیله آن، حاجت‌ها و نیازهای مردمی را که تحت حاکمیت او هستند بر طرف می‌نماید. به عنوان مثال:

در صحیح زراره و محمد بن مسلم آمده است که به امام صادق (ع) گفتند: نظر شما درباره آیه شریفه: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ» چیست؟ آیا به تمام اینها که در آیه نامبرده شده زکات عطاء می‌شود اگر چه شیعه نباشند؟

امام صادق (ع) فرمودند: امام به تمامی اینها زکات می‌دهد؛ زیرا اطاعت و پیروی او را پذیرفته‌اند. زراره گوید به حضرت عرض کردم: اگر چه عارف به حق (شیعه) نباشند؟ حضرت فرمود: ای زراره، اگر امام بخواهد فقط به طرفداران حق بدهد و به دیگران نپردازد، چه بسا محل و موردی برای زکات پیدا نشود، همانا امام به غیر شیعه می‌دهد تا رغبت در دین پیدا نمایند و بر آن ثابت باشند، اما در این روزگار تو و اصحابت به غیر شیعه زکات ندهید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۹۶).

در روایات متعدد دیگری نیز زکات از سرچشمه مالی حکومت اسلامی مطرح گردیده است که باید در اختیار حاکم اسلامی قرار گیرد. در اینجا به ذکر یکی از آن روایات بسنده می‌کنیم: امام باقر (ع) در تفسیر «وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ» می‌فرماید: «گروهی از رؤسای قبیله‌ها بودند که برای جذب آنان به اسلام، سهمی به آنان داده می‌شد. پیامبر اکرم (ص) همواره از این سهم، به آنان پرداخت می‌کرد. این عمل، ویژه زمان پیامبر اکرم (ص) نیست، هرگاه امام (ع) صلاح بداند این کار را انجام می‌دهد» (مغربی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۶۰).

اینکه پیامبر (ص) از زکات به آنان، می‌بخشید معلوم می‌شود که زکات در اختیار پیامبر (ص) بوده است. اگر سازگار کردن افراد با اسلام، مخصوص زمان پیامبر (ص) نباشد، چنانکه روایت بر آن دلالت دارد، پس از پیامبر (ص) نیز باید زکات در اختیار ائمه (ص) و در دوران غیبت در اختیار حاکمان اسلامی قرار گیرد، تا هرگاه صلاح بدانند، از آن، در مایل کردن قلب‌ها به اسلام، بهره برند.

اگر خود مردم زکات را بپردازند، چگونه می‌توان حاکم اسلامی را وا داشت که از مال زکات در مهربان کردن افراد با اسلام، استفاده کند. بنابراین، با توجه به بایستگی حکومت در دوره غیبت، فقیه جامع الشرایط، همانگونه که دیگر امور را بر عهده می‌گیرد، امر زکات را نیز باید در دریافت و هزینه سرپرستی کند.

۳-۱-۳. مقتضای اصل تشریح زکات

علاوه بر دو دلیل پیشین، فلسفه تشریح زکات نیز دلیل بسیار خوبی است بر اینکه زکات باید در اختیار حکومت اسلامی قرار گیرد؛ چه اینکه با نیم‌نگاهی به روایات وارده در باب زکات معلوم می‌شود، از جمله اسرار تشریح زکات این است که نیاز همه فقیران و بینوایان زمین‌گیر، برآورده شود، بلکه زندگی آنان برابر دیگران گردد و زکات به اندازه نیاز فقیران وضع شده که اگر توانگران همگی زکات اموال شان را درآورند دیگر نیامندی باقی نمی‌ماند.

اگر اختیار زکات، در دست خود مردم باشد، ضمانتی برای این کار وجود ندارد، زیرا:

۱- بسیاری از افرادی که ایمان درستی ندارند، امکان دارد زکات مال خود را نپردازند.

۲- سرپرستی امر زکات، به وسیله خود افراد، سبب می‌شود که گروهی از تهی‌دستان، بیش از اندازه نیاز دریافت نمایند و گروهی هیچ دریافت نکنند و به نان شب خود، درمانده باشند.

۳- مال زکات، تنها برای برآوردن نیاز تهی‌دستان نیست، بلکه راه‌های بسیار دیگری هم وجود دارد که زکات باید در آن راه‌ها هزینه گردد.

بنابراین، دیدگاه دوم اگر چه مخالف مشهور است، اما با این فرض که از یک سو امامت و حکومت تعطیل بردار نبوده و از ضروریات زندگی اجتماعی محسوب می‌گردد که شامل دوران غیبت نیز می‌شود و از دیگر سو در زمان غیبت نیز شارع مقدّس، نسبت به بودجه حکومت اسلامی بی‌توجه نبوده است.

و جوب پرداخت زکات و بلکه سایر مالیات‌های شرعی مانند خمس، به حاکم اسلام متعین می‌گردد؛ چه اینکه در این زمان حاکم اسلامی (ولی فقیه) این وظیفه مهم را به عهده دارد زکات را از توانگران دریافت می‌دارد و به نیازمندان جامعه پرداخت می‌کند و در مصالح مسلمانان به مصرف می‌رساند.

اوست که در این زمان جایگاه مصرف زکات و درآمدهای دولت اسلامی را به خوبی دانسته و نیازهای تهی‌دستان جامعه اسلامی را درک می‌کند. پس باید زکات و دیگر واجبات مالی را به حاکم اسلامی بسپاریم تا او براساس مصلحت خویش به مصرف برساند.

نتیجه‌گیری

همانگونه که در بخش نقد ادله قول مشهور اشاره شد، امام خمینی (ره) از جمله ادله تشکیل حکومت اسلامی را لزوم اجرای احکام الهی و عدم تعطیلی آنها بر شمرده‌اند، که زکات یکی از مهم‌ترین واجبات و جزء اولین احکامی که واجب گردیده‌اند، می‌باشد.

از طرفی آیه شریفه قرآن مجید نیز در یک تعبیر لطیف به این مسأله اشاره کرده و می‌فرماید: «یاوران حق کسانی هستند که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست» (حج: ۴۱).

قرار گرفتن اقامه نماز در کنار زکات و امر به معروف و نهی از منکر نشان می‌دهد که همه این امور از توابع تمکّن در ارض و تشکیل حکومت است. گفتنی است اکنون که حکومت اسلامی با این لوازم تشکیل شده است، بر حاکم اسلامی فرض است که نسبت به تبیین امروزی مسائل زکات بخصوص جمع‌آوری و مصرف آن همت گماشته و این واجب حکومتی اسلام را احیا نماید که لازمه این امر نیز پرداخت زکات به حاکم اسلامی و عدم جواز و اجزاء مصرف شخصی آن است.

در نهایت از آنچه گفته شد، به صورت کلی قصور ادله استنادی صاحبان نظریه جواز پرداخت شرعی زکات توسط مکلف، آشکار گردید و نیز صحت نظریه وجوب

پرداخت زکات به حاکم اسلامی در زمان غیبت (فقیه جامع الشرایط مبسوط الید) اثبات گردید. بنابراین ناگزیر از پذیرش آثار و نتایج جزئی ذیل هستیم:

۱- زکات، مالیات و بودجه‌ای است حکومتی که در اختیار ولی امر مسلمانان قرار می‌گیرد.

۲- امت اسلامی، وظیفه دارند، زکات خود را به امام و حاکم اسلامی بپردازند و خود نمی‌توانند هزینه کنند. و در صورت هزینه، تکلیف، از عهده مکلف برداشته نمی‌شود و باید دوباره آن را به حاکم اسلامی بپردازد. این مسئله نزد قائلان به نظر مشهور نیز پس از مطالبه امام یا حاکم از امت اسلامی، امری مسلم است.

۳- بر حاکم جامعه اسلامی واجب است تا سیستم ساختاری حکومتی مخصوصی را به امر جمع آوری زکات اختصاص دهد.

۴- اگر حاکم اسلامی زکات را مطالبه نماید، ولی گروهی حاضر به پرداخت نشوند، حاکم اسلامی می‌تواند آنان را وادار نماید و اگر خودداری کردند، از مال آنان بردارد.

یادداشت‌ها:

۱. ر.ک: (۱۹: الذاریات - ۲۵: معارج - ۷: فصلت - ۶۰ و ۱۰۳: توبه - ۱۷۷: بقره).
۲. دیگر احادیث رسیده در این موضوع، عبارتند از:
الف) امام صادق (ع): «أُتِمَّا وَضَعَتِ الزَّكَاةَ اخْتِبَاراً لِلْأَغْنِيَاءِ وَ مَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ...» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۷)
- ب) امام کاظم (ع): «أُتِمَّا وَضَعَتِ الزَّكَاةَ قُوْتاً لِلْفُقَرَاءِ وَ تَوْفِيراً لِمَوَالِهِمْ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳)
- ج) امام رضا (ع) در پاسخ نامه‌ای می‌فرماید: «عَلَّةُ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوْتِ الْفُقَرَاءِ وَ تَحْصِيلِ أَمْوَالِ الْاَغْنِيَاءِ» (کلینی، ج ۸، ص ۵۰۷-۵۰۹، ح ۴-۱)

کتابنامه

قرآن کریم

- آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵)، *الحدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ابن زهره، حمزه بن علی حسینی (۱۴۱۷)، *غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
- اجتهادی، ابوالقاسم (۱۳۶۳)، *وضع مالی و مالیة مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان*، تهران: سروش، چاپ اول.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳)، *مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵)، *کتاب الزکاه*، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول.
- جزیری، عبد الرحمن؛ غروی، سید محمد، مازح، یاسر (۱۴۱۹)، *الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت علیهم السلام*، بیروت: دارالتقنین، چاپ اول.
- جصاص، احمد ابن علی (۱۴۰۵)، *احکام القرآن*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول.
- خلخالی، سید محمد مهدی موسوی (۱۴۲۲)، *حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه*، تحقیق جعفر الهادی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۱)، *کتاب البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)، چاپ اول.
- همو، (۱۴۲۳)، *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)، چاپ دوازدهم.
- همو، (بی تا)، *تحریر الوسیله*، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول.
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸)، *موسوعه الإمام الخوئی*، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی (ره)، چاپ اول.

راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵)، *فقه القرآن*، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ دوم.

روحانی، سید صادق حسینی (۱۴۱۲)، *فقه الصادق (علیه السلام)*، قم: دارالکتاب - مدرسه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.

سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳)، *مهذب الأحكام*، قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم.
شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۳۸۷)، *جمال العلم و العمل*، نجف: مطبوعه الآداب، چاپ اول.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۶)، *علل الشرائع*، قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول.
همو، (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷)، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، چاپ سوم.

همو، (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی
علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۲)، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه، چاپ اول.

همو، (۱۴۱۳)، *مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

همو، (۱۴۲۰)، *تحریر الأحكام الشرعیه علی مذهب الإمامیه*، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.

کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۷)، *المعتبر فی شرح المختصر*، قم: مؤسسه سید الشهداء (علیه السلام)، چاپ اول.

همو، (۱۴۰۸)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ دوم.

مغربی، نعمان بن محمد تمیمی (۱۳۸۵)، *دعائم الإسلام*، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ دوم.

- مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳)، *المقنعه*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول.
- منتظری، حسین علی (۱۴۰۹)، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، صلواتی، محمود و شکوری، ابو الفضل، قم: مؤسسه کیهان، چاپ اول.
- میلانی، سید محمد هادی حسینی (۱۳۹۵)، *محاضرات فی فقه الإمامیه - کتاب الزکاه*، مشهد: مؤسسه چاپ و نشر دانشگاه فردوسی، چاپ اول.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵)، *مستند الشیعه فی أحكام الشریعه*، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول.
- یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی (۱۴۲۸)، *العروة الوثقی مع التعليقات*، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ اول.